

Causal Analysis of Obstacles to the Emprovement of Political Development in Iran and Ways to Achieve it, Based on the Meta-Synthesis Method

Mohammad Mahmoodikia¹

Received: 20 April 2023

Reception:4 July 2023

The realization of the menus of political development, despite its long history from the Qajar period until now, has always faced many challenges and has gone through ups and downs. This process accelerated with the victory of the Islamic Revolution and the establishment of the model of the Islamic Republic, although the emergence of some issues such as the eight-year imposed war, and the long process of reconstruction of material and moral damage after that interrupted the political development path in the country. Using the META-SYNTHESIS method, this study intends to answer the question that given the political, economic, cultural, social, discourse and technological obstacles and challenges in the path of political development in Iran, how can this Paved the way in Iran? The findings of this study indicate that the Islamic Republic of Iran, by emphasizing a kind of jurisprudential reading of Islam that is based on a kind of relationship with reason and revelation, tries to provide a kind of indigenous model of development in various fields, especially in the political arena. To increase the ability of the political system to cope with the shocks of the modern period, as well as to provide an interactive coexistence with the contemporary and modern world.

Keywords: Islamic Republic of Iran, Political Development, the Meta-Synthesis Method.

1. Assistant Professor of Political Thought in Islam, Institute Imam Khomeini and Islamic Revolution, Tehran, Iran. mahmoodikia@ri-khomeini.ac.ir

تحلیل علی موانع پیش روی توسعه سیاسی در ایران و راه کارهای تحقق آن مبتنی بر روش فراترکیب

محمد محمودی کیا^۱

دریافت: ۱۴۰۱/۱/۳۱

پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۱۳

چکیده

تحقق منویات توسعه سیاسی علی رغم قدمت طولانی آن از دوره قاجار تاکنون همواره با چالش های عدیده ای مواجه بوده و مسیر پرفرازونشیبی را طی کرده است. این روند با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار الگوی جمهوری اسلامی شتاب بیشتری گرفت هرچند بروز برخی مسائل همچون جنگ تحمیلی هشت ساله، و نیز روند طولانی بازسازی خسارت مادی و معنوی پس از آن وقفه ای در روند مسیر توسعه گرایانه سیاسی در کشور ایجاد کرد. این تحقیق با بهره گیری از روش داده بنیاد فراترکیب در نظر دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که با توجه به موانع و چالش های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، گفتمانی و فناورانه در مسیر توسعه یافتگی سیاسی در ایران، چگونه می توان این مسیر در ایران را هموار نمود؟ یافته های این پژوهش حکایت از آن دارد که جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر نوعی خوانش فقیهانه از اسلام که در نوعی رابطه تلازمی با عقل و وحی استوار است، تلاش دارد تا نوعی الگوی بومی از توسعه در ساحت های مختلف و به طور خاص در عرصه سیاسی ارائه دهد که قابلیت نظام سیاسی در را مواجهه با تکانه های دوره مدرن افزایش دهد و نیز هم زیستی تعامل گرایانه ای را با جهان معاصر و مدرن فراهم آورد.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، توسعه سیاسی، علل و ریشه های توسعه نیافتگی سیاسی، راه کارها، روش فراترکیب.

۱. استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.
mahmoodikia@ri-khomeini.ac.ir

۱- بیان مسئله

یکی از موضوعات پربسامد طی سه دهه اخیر در ایران، مسئله توسعه و به‌طور مشخص توسعه سیاسی بوده است که با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ و سال‌های پس‌از آن، به‌طور متواتر در ادبیات سیاسی ایران مورد استفاده قرار گرفت. در واقع، عبور از فضای سازندگی و تجربه دوره‌ای پرشتاب در عرصه توسعه عمرانی و مسائل زیرساخت اقتصاد ملی، اینک نوبت به توسعه سیاسی در جامعه ایرانی رسیده بود. ظهور پربسامد مؤلفه‌ها، بنیان‌های فکری و نیز استلزامات توسعه سیاسی در ادبیات سیاسی وقت، موجب شد تا اندیشمندان و محققان جامعه‌شناسی سیاسی نیز به بررسی روشمند علل توسعه‌نیافتگی ایران و چالش‌های فراروی آن بپردازند؛ موضوعی که علی‌رغم گذشت سال‌های متمادی همچنان «در مسیر شدن» قرار دارد و هم‌اینک نیز موضوع پژوهش‌های متعدد علمی است. لذا، این تحقیق با تکیه بر یافته‌های پژوهش‌های موجود سعی دارد تا به این مسئله به صورتی نظام‌مند پاسخ دهد که ریشه‌ها و موانع توسعه‌نیافتگی ایران در چیست و چه راه‌کارهایی را می‌توان برای غلبه بر آن ارائه داد؟

۱-۱. اهمیت پژوهش

با عنایت به این‌که توسعه همه‌جانبه و متوازن یکی از پیش‌شرط‌ها و الزامات اساسی در الگوی توسعه بومی ایرانی اسلامی است، لذا، در این نوشتار بر آن شدیم تا با بررسی علل و زمینه‌های توسعه‌نیافتگی سیاسی کشور پرداخته شود و با ارائه توصیه‌های سیاست‌گذارانه به تدبیرپردازان و کارگزاران نظام، به کاهش موانع تحقق توسعه سیاسی و در نتیجه تسهیل و تسریع در دستیابی به جامعه توسعه‌یافته نائل شویم.

۱-۲. ضرورت

باگذشت بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی و استقرار نظم سیاسی جدید در قالب تأسیس نظام جمهوری اسلامی و نیز به‌رغم تجربه زیسته ایرانیان در مقاطع مختلف و حساسی از تاریخ خود، همچنان شاهد آن هستیم که چالش‌های متعددی در زمینه توسعه سیاسی در فضای سیاسی کشور و نیز در بین کنشگران سیاسی شامل کارگزاران سیاسی وجود دارد که

این امر می‌تواند در روند توسعه‌یافتگی کشور آثار سوئی از خود بر جای بگذارد و یا حداقل در مسیر توسعه‌یافتگی کشور خللی فراهم آورد. لذا، شناسایی موانع توسعه سیاسی در کشور حائز اهمیت بالایی است.

۱-۳. اهداف

هدف اصلی این تحقیق بدین قرار است که تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری نظام‌مند و روشمند از یافته‌های پژوهش‌های علمی موجود، الگویی نظری برای تحقق توسعه‌یافتگی در ایران ارائه شود. لذا می‌توان اهداف جزئی دیگری را نیز به این شرح مورد اشاره قرار داد: شناسایی ریشه‌ها و علل توسعه‌نیافتگی ایران؛ شناسایی الزامات تحقق توسعه سیاسی؛ شناسایی راه‌کارهای تحقق توسعه سیاسی در ایران.

۱-۴. سؤال اصلی

سؤال اصلی این تحقیق بدین صورت است که با توجه به موانع و چالش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و فناورانه در مسیر توسعه‌یافتگی سیاسی در ایران، چگونه می‌توان مسیر توسعه‌یافتگی در ایران را هموار نمود؟

۱-۵- فرضیه

فرضیه این تحقیق نیز این گونه ابراز می‌شود که به‌رغم چالش‌های مختلف در مسیر توسعه‌یافتگی جامعه ایرانی، این امکان وجود دارد تا با ارائه راه‌کارهای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت، بر این موانع و چالش‌ها فائق آمد.

۱-۶- پیشینه پژوهش

با جستجو از میان پژوهش‌های موجود در زمینه توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ از:

الف) پایگاه‌های استنادی مقالات علمی فارسی زبان همچون پایگاه استنادی پژوهشگاه

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و نیز پایگاه مجلات نور، ۳۰ مقاله علمی - پژوهشی در حوزه این تحقیق یافت شد.

ب) با جست‌وجو در پایگاه‌های معتبر کتاب همچون تارنمای سازمان اسناد و کتابخانه ملی و خانه کتاب، ۱۶ عنوان کتاب در حوزه این تحقیق یافت شد.

ج) با جست‌وجو در سامانه گنج ایران‌داک، ۷ رساله دکتری تخصصی در حوزه این تحقیق یافت شد.

که اطلاعات کلی اسناد یافت شده به شرح ذیل است:

جدول (۱) پیشینه پژوهش

مقالات
(خرمشاد و صیاد رودکار، ۱۳۹۶)، (خرمشاد و نجات‌پور، ۱۳۹۴)، (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸)، (حسام قاضی، ۱۳۹۳)، (شجاعی و پناهی، ۱۳۹۹)، (عزیزیان و جعفری، ۱۳۹۹)، (موتقی و بیات، ۱۳۹۹)، (مؤمنی و زمانی، ۱۳۹۲)، (بصیری و همکاران، ۱۳۹۹)، (شاه‌علی و همکاران، ۱۳۹۹)، (شهرام‌نیا و مظفری، ۱۳۹۲)، (مرادی و همکاران، ۱۴۰۰)، (عابدی اردکانی و سلطانی، ۱۳۹۹)، (جلالی و بنی‌نجاریان، ۱۳۹۱)، (کلیج و حقیقی، ۱۳۹۸)، (مصلی‌نژاد، ۱۴۰۰)، (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۳)، (راهبر و عباسی سرمدی، ۱۳۸۸)، (همت‌خواه و همکاران، ۱۳۹۸)، (اخوان کاظمی و نیکونهاد، ۱۳۹۸)، (عبادی اردکانی، ۱۳۹۳)، (بیدار و همکاران، ۱۳۹۹)، (قادری و میرزایی، ۱۳۹۲)، (می‌سایب و همکاران، ۱۳۹۸)، (غفاری و همکاران، ۱۳۹۶)، (اخوان کاظمی و نیکونهاد، ۱۳۹۷)، (اخوان کاظمی و همکاران، ۱۳۹۷)، (مهدی‌پور و فراهانی، ۱۳۹۸)، (صادقی و قنبری، ۱۳۹۶)، (محمدی مهر و همکاران، ۱۳۹۷)
کتاب
(واعظی، ۱۳۹۳)، (رهایبی، ۱۳۹۶)، (دست‌داده، ۱۳۹۰)، (سلیمی، ۱۳۹۵)، (کاکویی، ۱۴۰۰)، (میرزایی، ۱۳۹۷)، (بشیریه، ۱۳۹۵)، (خرسند، ۱۳۹۹)، (حقیقی، ۱۳۹۴)، (قادری، ۱۳۹۱)، (قوام، ۱۳۹۳)، (قهرمان پوران، ۱۳۹۵)، (دانشمند، ۱۳۹۵)، (رضائی، ۱۳۹۹)، (احمدی، ۱۳۹۹)، (معینی پور، ۱۳۹۲)
رساله دکتری
(خالدی‌پور، ۱۳۹۹)، (رضایی، ۱۳۹۷)، (دلآوری، ۱۳۹۱)، (رزمی، ۱۳۹۶)، (عالی‌زاد، ۱۳۹۰)، (فتاحی، ۱۳۹۰)، (شورچی، ۱۳۹۵)

۲. مبانی مفهومی و نظری

مفهوم و نظریه محوری این تحقیق را «توسعه سیاسی» شکل می‌دهد که در ادامه معنا و

نظریه منتخب ارائه می‌شود:

توسعه سیاسی مفهومی گریزناپذیرتر از توسعه اقتصادی است؛ از نظر هنجاری بحث‌برانگیزتر و اندازه‌گیری آن نیز در شرایط تجربی و عملیاتی دشوارتر است. متفکران هنجاری و غیر هنجاری یا اگزیستانسیالیست اغلب از آن استفاده می‌کنند. نظریه‌پردازان هنجاری تأکید می‌کنند که یک نظام سیاسی با نزدیک شدن به نظم سیاسی خوب می‌تواند توسعه یابد. آن‌ها توجه کمتری به بیان سیستماتیک شرایطی دارند که توسعه سیاسی را به وجود می‌آورد و آن را حفظ می‌کند و بیشتر به تعیین اهداف و توجیه چنین برداشتی از توسعه سیاسی می‌پردازند. می‌توان این‌گونه اذعان نمود که رویکردهای توسعه در مطالعه سیاست، صریح و دقیق هستند چراکه آن‌ها بر حرکت در طول زمان تمرکز می‌کنند، لذا به نظر می‌رسد به‌طور منحصربه‌فردی بر روشن‌سازی منطق و تجربه سیاست در عمل بنانهاده شده‌اند، به‌گونه‌ای که با روش‌های متداول دانش سیاسی قابل‌درک نیستند. با این حال، توسعه سیاسی را می‌توان به‌مثابه هر تغییر تاریخی حادث شده برای یک حکومت تلقی کرد که ماهیت هنجاری آن را مورد غفلت قرار می‌دهد (Thomas, 2011: 275). اگزیستانسیالیست‌ها زمان بیشتری را صرف مشخص کردن ویژگی‌های آنچه به‌عنوان نظام‌های توسعه‌یافته سیاسی می‌دانند و شرایط و فرآیندهایی که آن‌ها را به وجود می‌آورند، می‌گذرانند.

توسعه سیاسی از مفاهیم جامعه‌شناختی است که در اصطلاح به معنای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است. توسعه سیاسی در معنا و مفهوم امروزی آن، فراگردی است که بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمد (SHILS, 1965). با وجود پیشرفت‌های شگرف در زمینه توسعه سیاسی، هنوز ابهامات زیادی در رابطه با این دانش‌واژه وجود دارد و دانشمندان حوزه‌های متفاوت، تعاریف گوناگونی از توسعه سیاسی ارائه می‌کنند. از نظر کلمن، توسعه سیاسی عبارت است از مرادده مستمر بین فعالیت‌های ساختاری، ظرفیت‌های همگرا، الزامات برابری، پاسخگویی و سیستم سازگار شونده سیاسی (Tullis, 1973)، درحالی‌که هانتینگتون بر آن است که توسعه سیاسی پایدار، در قالب تفکیک ساختارهای سیاسی، مشارکت داوطلبانه، حکومت عقلایی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مستمر تعریف می‌شود. (Harvey, 1989)

لوسین پای به روشنی تنوع را در تبیین مفهوم توسعه سیاسی بررسی کرده است. وی مفهوم توسعه سیاسی را به گونه‌های مختلف توضیح داده است:

۱. پیش‌نیاز سیاسی توسعه اقتصادی؛
۲. سیاست معمول جوامع صنعتی و پیشرفته؛
۳. مدرنیزاسیون سیاسی که بر اساس آن کشورهای پیشرفته به‌عنوان عوامل سرعت تلقی می‌شوند؛
۴. عملیات یک دولت-ملت؛
۵. توسعه اداری و حقوقی که شامل کلیه اعمال استعماری و ساختارهای مقتدر است؛
۶. بسیج توده‌ای و مشارکت با استانداردهای جدید وفاداری و عوام‌فریبی؛
۷. بنیان دموکراسی؛
۸. ثبات و تغییر منظم؛
۹. بسیج و قدرت؛

۱۰. یکی از جنبه‌های یک فرآیند چندبعدی تغییر اجتماعی است که پای جداسازی توسعه سیاسی را از سایر جنبه‌هایی که تحت فرآیند کلی مدرنیزاسیون قرار دارند، غیرضروری می‌داند. تعبیر دیگری نیز وجود دارد، مانند عزت‌نفس ملی، کسب منزلت در امور بین‌الملل و... اما به گفته پای، بیشتر آن‌ها باعث ایجاد سردرگمی می‌شوند. به گفته وی، این تفاسیر مختلف دارای ویژگی‌های گسترده‌ای هستند که می‌تواند مبنای توافق را فراهم کند. لوسین پای آن‌ها را در سه جنبه طبقه‌بندی می‌کند و آن‌ها را در قالب سندرم توسعه به هم مرتبط می‌کند:

(الف) روحیه یا نگرش نسبت به برابری: که شامل مشارکت، ماهیت جهانی، استانداردهای موفقیت و غیره است.

(ب) ظرفیت نظام سیاسی: به بروندادها مربوط می‌شود: اقتصاد، عملکرد دولت، اثربخشی و کارایی، عقلانیت در اداره، و سکولاریزاسیون سیاست‌های عمومی.

ج) تمایز: این شامل افزایش ساختارها، نهادها، تقسیم‌کار، تخصص و به دنبال آن احساس نهایی یکپارچگی است.

بنابراین توسعه سیاسی از نظر او فرآیندی سه‌بعدی از برابری، ظرفیت و تمایز است. او اعتراف می‌کند که این‌ها لزوماً یا به راحتی باهم همخوانی ندارند. بلکه تنش‌ها و مشکلات حاد توسط آن‌ها ایجاد می‌شود. فشار برای برابری بیشتر می‌تواند ظرفیت سیستم را به چالش بکشد و تمایز می‌تواند با تأکید بر اهمیت کیفیت و دانش ویژه، برابری را کاهش دهد. سندرم رشد او نیز تک‌خطی است. مشکلات برابری به فرهنگ سیاسی و احساسات در مورد مشروعیت و تعهد به نظام مربوط می‌شود.

مشکلات ظرفیت شامل عملکرد ساختارهای مقتدر دولت است. مشکلات مربوط به تمایز به عملکرد ساختارهای غیر اقتدار و روند کلی سیاسی در جامعه به‌طور کلی ضربه می‌زند. در هر صورت، توسعه سیاسی حول روابط بین فرهنگ سیاسی، ساختارهای مقتدر و روند کلی سیاسی می‌چرخد.

آلفرد دیامانت آن را به‌عنوان «فرآیندی می‌داند که از طریق آن نظام سیاسی ظرفیت فزاینده‌ای برای حفظ موفقیت‌آمیز و مستمر انواع جدید اهداف و خواسته‌ها و ایجاد انواع جدیدی از سازمان‌ها به دست می‌آورد.» برای ادامه این فرآیند در طول زمان، یک سیاست متمایز و متمرکز است. باید به وجود بیاید باید بتواند منابع را از حوزه‌ها و مناطق وسیعی از جامعه کنترل کند و بر آن‌ها قدرت داشته باشد.

گابریل آلموند آن را به‌عنوان کسب یک قابلیت جدید توسط نظام‌های سیاسی، به مفهوم ساختار نقش تخصصی و جهت‌گیری‌های متمایز، تجسم می‌کند که مجموعاً به یک نظام سیاسی امکان پاسخگویی مؤثر و کمابیش مستقل به طیف جدیدی از مشکلات را می‌دهد. هم آلموند و هم پاول تأکید می‌کنند که توسعه سیاسی شکل‌گیری قابلیت‌های جدید، با ساختار نقش تخصصی و جهت‌گیری متفاوت را نشان می‌دهد که سیستم سیاسی را قادر می‌سازد تا با چالش‌های جدید مقابله کند.

هاگان همچنین آن را «شکل‌گیری ساختارها و الگوهای جدیدی می‌داند که یک نظام سیاسی را قادر می‌سازد تا با مشکلات اساسی خود کنار بیاید.» ساموئل هانتینگتون توسعه

سیاسی را به‌عنوان «نهادسازی» توصیف می‌کند که می‌تواند هم در گذشته و هم در حال اعمال شود. برای او، توسعه نهادها برای پاسخگویی به خواسته‌های مردم است.

۳. روش پژوهش

با عنایت به هدف پژوهش در این تحقیق از روش فراترکیب^۱ برای تحلیل منابع منتخب و تحلیل یافته‌ها استفاده شده است.

۳-۱- معرفی روش

فراترکیب عمدتاً به‌صورت کیفی به شیوه کدگذاری متداول در پژوهش‌های کیفی و بر روی مفاهیم و نتایج مورداستفاده در مطالعه‌های گذشته انجام می‌شود. (Finfgeld, 2003:65) در این روش متون پژوهش‌های گذشته می‌تواند به‌عنوان داده‌هایی برای پژوهش آتی مورداستفاده قرار گیرد. هدف فراترکیب ایجاد تفسیری خلاقانه و یکپارچه از یافته‌های کیفی است (Sandelowski & Barroso, 2007:87). محققان ساخت نظریه را یکی از اهداف فراترکیب دانسته‌اند و این روش راه‌حل مناسبی برای استفاده از یافته‌های کیفی موجود جهت پردازش نظریه جدید است.

۳-۲. کاربرد روش

برای عملیاتی کردن روش فراترکیب، نویسنده گام‌های اجرایی ذیل را برداشته است:

گام اول. تعیین قلمرو تحقیق: از آنجاکه در این روش قلمرو موضوعی و زمانی بسیار مهم است، محققان نخست این قلمروها را تحدید کرده‌اند. از حیث زمانی، آثار منتشر شده در بازه زمانی دهه اخیر در موضوع موانع توسعه سیاسی در ایران مدنظر بوده است. به این منظور پایگاه‌های داده و موتورهای جست‌وجوی مختلف در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۰ مطالعه و بررسی شده است.

گام دوم. تعیین واژگان کلیدی: برای استخراج پژوهش‌ها، واژگان کلیدی مرتبط تعریف و انتخاب شده است. واژه‌های کلیدی موردنظر عبارت‌اند از: توسعه سیاسی، موانع توسعه سیاسی.

گام سوم. جستجو و انتخاب آثار: کلیدواژه‌های انتخابی در موتور جست‌وجوهای مقالات علمی پژوهشی در حوزه ادبیات پژوهشی موردنظر که در نتیجه ۳۰ عنوان مقاله یافت شد.

گام چهارم. تعیین کیفیت منابع انتخاب‌شده: در این روش ابتدا متناسب با سؤال‌های پژوهش موارد انتخاب می‌شوند و سپس برای تعیین کیفیت موارد انتخابی، از یک «برنامه مهارت‌های ارزیابی ضروری» اصلاح‌شده، استفاده می‌شود. این برنامه ابزاری است که معمولاً برای ارزیابی اولیه کیفیت پژوهش‌های کیفی به کار می‌رود. این برنامه شامل چند سؤال است که به محقق کمک می‌کند تا دقت اعتبار و اهمیت مطالعه کیفی تحقق را مشخص می‌کند. این سؤال‌ها بر موارد زیر تمرکز دارد: ارتباط عنوانی و موضوعی پژوهش؛ روشمندی پژوهش؛ اعتبار علمی نویسندگان؛ بیان واضح و روشن یافته‌ها. در این مرحله پژوهشگر به هر کدام از این سؤال‌ها یک امتیاز کمی داده‌شده و به هر منبعی را که پایین‌تر از امتیاز موردنظر را داشته حذف می‌شود.

در این مرحله از پژوهش، منابع منتخب و نهایی به‌منظور دستیابی به یافته‌های محتوایی مرور و اطلاعات مندرج در آن‌ها را دسته‌بندی شد. در این مرحله ضمن ثبت اطلاعات پایه مربوط به هر منبع (نام و نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار مقاله، یافته‌های آن پژوهش بامطالعه چکیده آن) استخراج و در مواردی که چکیده گویا نبوده به نتیجه‌گیری و در صورت نیاز، به‌کل متن رجوع شده و یافته‌های پژوهش‌ها در قالب گزاره‌های دقیق و صریح و به‌نحوی که تا حد امکان کوتاه و معنا رسان باشند فهرست می‌گردد. در واقع، این کار پراکندگی داده‌ها را در قالب این گزاره‌های فشرده جمع شده و به فهم یافته‌ها انسجام می‌بخشد. به‌عبارت‌دیگر از یافته‌های متنی، کدهای باز متصل به متن^۲ استخراج می‌شود. این کدها کوچک‌ترین واحد معنادار متن یافته را تشکیل می‌دهند و می‌تواند پایه نخست مفهوم‌سازی محسوب شود.

گام پنجم. ترکیب یافته‌ها: ترکیب یافته‌های پژوهش مختلف مهم‌ترین هدف فراترکیب و وجه ممیزه آن است و لذا این مرحله از اهمیت خاصی برخوردار است. اصولاً سنتز تحقیقات کیفی اجازه می‌دهد تا دانش حاصل از مطالعات کیفی در مورد پدیده‌ای خاص در درک وسیع‌تر، عمیق‌تر و جامع‌تر از آن پدیده حاصل شود» (Aguirre & Bolton, 2014. p. 280). نتیجه تلفیق ممکن است شامل ایجاد نظریه‌های جدید، ایجاد مدل‌های مفهومی، شناسایی شکاف

در تحقیقات، افزودن وسعت درک به دانش موجود، ارائه مدرک برای ارزیابی یا پیاده‌سازی یک خدمت و کمک به تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد (Britten et al, 2002, p. 209) باشد و در این پژوهش هدف ترکیب یافته‌ها و ایجاد نظریه جدید و یا مکمل در خصوص پدیده الگوی اسلامی ایرانی می‌باشد.

گام ششم. تحلیل و طبقه‌بندی یافته‌ها: در این پژوهش از تکنیک ترکیب یافته‌ها بر اساس چارچوبی از پیش تعیین‌شده انجام می‌گیرد و به این منظور از چارچوب فهم منطقی درونی نظریه‌های توماس ای. اسپریگنز به‌عنوان مدلی برای فهم اندیشه‌ها کمک خواهیم گرفت. بر این اساس، پرسش‌های مطرح نزد اسپریگنز مبنای طبقه‌بندی یافته‌های مختلف پژوهش‌ها خواهد شد. اسپریگنز نظریه‌های سیاسی-اجتماعی را حاصل چهار مرحله یعنی مشکل‌شناسی، علت‌شناسی، آرمان‌شناسی و راه‌حل‌شناسی می‌داند. در قالب این مدل، منابع پژوهشی موردنظر دسته‌بندی شده و یافته‌های آن‌ها که در مرحله قبل کدگذاری باز شده و مورد تحلیل قرار می‌گیرند. به این منظور مبتنی بر نوعی روش عام داده‌بنیاد به برجسب‌گذاری مفهومی کدهای استخراج‌شده از هر متن و درنهایت مقوله‌بندی این مفاهیم اقدام می‌کنیم تا بتوانیم به مقوله محوری پدیده و درنهایت اکتشاف نظریه از خوشه‌های مقوله‌ای برسیم. این مقولات با عمق مفهومی نیرومند مفصل‌های نظریه برآمده از داده را درنهایت تشکیل خواهد داد و این بلوک‌های مقوله‌ای مفصل‌های نظریه را تشکیل خواهند داد. در این راستا باید در ابتدا با ترکیب مقولات به محورهای اصلی پدیده رسید که کانونی‌ترین بخش مقوله‌ای و هسته معنایی پدیده مورد مطالعه محسوب می‌شود و اکتشافی افق‌گشا و کلیدی به چستی پدیده است و مرکز ثقل نظری محسوب می‌شود.

۴. یافته‌های پژوهش

با بررسی آثار مختلف و متعددی که طی دهه گذشته در خصوص علل و موانع توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران نگاشته شده که مبتنی بر تحلیل یافته‌های ۳۰ مقاله علمی - پژوهشی انتخاب شده، یافته‌های ذیل به دست آمده است:

جدول (۲) مفاهیم و مقولات مستخرج از پیشینه پژوهش

مقولات ۲	مقولات ۱	مفاهیم مستخرج از یافته‌های پژوهش‌های انجام شده
تحلیل ریشه‌های بحران	ریشه‌های اقتصادی	<p>نقش برنامه‌های توسعه پنج‌ساله (می‌سای و همکاران، ۱۳۹۸) اتکا به درآمدهای نفتی (قادری و میرزایی، ۱۳۹۲) «وجود محرومیت در مناطق مرزی با جمعیت اقلیت‌های قومی، وجود برخی گروه‌های معارض و آگرا، کشورهای همسایه مناطق مرزی و دشمنان فرا منطقه‌ای باعث تمرکز دولت به مسائل امنیتی شده و غلبه نگاه امنیتی، باعث کم‌توجهی به مسائل توسعه‌ای (اقتصادی، سیاسی و اجتماعی) در این مناطق شده است»، می‌باشد. (رضایی، ۱۳۹۷)</p> <p>گسترش طبقه متوسط (اخوان کاظمی و نیکونهاد، ۱۳۹۸) در بسیاری موارد منابع طبیعی عاملی بازدارنده بر سر مسیری که به سوی توسعه سیاسی می‌رود به شمار می‌آید (میرزایی، ۱۳۹۷)</p>
	ریشه‌های سیاسی	<p>رنسانس فرهنگ سیاسی یا بازگشت به فرهنگ سیاسی در دهه‌های میانی قرن بیستم (احمدی، ۱۳۹۹)</p> <p>در صد و پنجاه سال گذشته به دلیل فقدان رویکرد مصالحه‌گرایانه در سیاست و نادیده گرفتن تکثر منابع قدرت، گسست‌های رادیکال به استقرار و تثبیت نظم سیاسی مطلوب نینجامیده‌اند. (خالدی پور، ۱۳۹۹)</p> <p>متناسب با تغییر و تحولات صورت گرفته در عرصه نظام‌های سیاسی از شیوه حکومتی خودکامگی و اقتدارگرایانه فردی به سمت نظام‌های سیاسی دموکراتیک و مردمی که با انقلاب‌های اندیشه‌ای و فکری همراه بوده است، توسعه سیاسی با ارکان و شاخصه‌هایی که جزو لاینفک نظام‌های دموکراتیک به شمار می‌رود و تمام حکومت‌ها اعم از اینکه برخی بر اساس قانون اساسی خود را مقید به اصول توسعه سیاسی می‌دانند (رضانی، ۱۳۹۹)</p> <p>میان مقوله‌های «روشنفکری جمعی»، «دموکراسی مشارکتی و سیاست عادت و آره‌ها»، «چند فرهنگ گرایی» و «افکار عمومی کیفی» به‌عنوان محور دموکراتیک ساختن جوامع با مهم‌ترین مقوله‌های مطرح در اندیشه توسعه سیاسی در ایران در دهه دوم پس از انقلاب اسلامی نوعی سنخیت و همخوانی وجود دارد. (فتاحی، ۱۳۹۰)</p> <p>کم‌توجهی دولت‌ها به فرهنگ تسهیل‌کننده توسعه سیاسی (شهرام نیا و مظفری، ۱۳۹۲)</p> <p>رویکرد مثبت نسبت به مؤلفه‌های متعارف توسعه، تصور پیوند توسعه ملی با آشتی با نظام بین‌الملل و اتخاذ سیاست تنش‌زدایی در سیاست خارجی، اولویت توسعه سیاسی و توجه به نهادهای مدنی و احزاب سیاسی، حرکت در مسیر بوروکراسی کارآمد و افزایش شفافیت در عرصه داخلی، مهم‌ترین ویژگی‌های رویکردی دولت‌های هفتم و هشتم نسبت به توسعه بوده است (فتاحی، ۱۳۹۵)</p>

تحلیل ریشه‌های بحران	ریشه‌های سیاسی	<p>چرخش قانونی نخبگانی (اخوان کاظمی و نیکونهاد، ۱۳۹۸)</p> <p>فرهنگ سیاسی نخبگان اجرائی در توسعه نیافتگی دولت‌های ایران (کلیچ و حقیقی، ۱۳۹۸)</p> <p>استبداد و اقتدارگرایی (محمدی مهر و همکاران، ۱۳۹۷)</p> <p>مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی (محمدی مهر و همکاران، ۱۳۹۷)</p> <p>مشکلات داخلی، ناتوانی و بی‌کفایتی نظام سیاسی (غفاری و همکاران، ۱۳۹۶)</p> <p>افول نظریات توسعه سیاسی و بحث‌های مرتبط با آن، یعنی دموکراتیزاسیون، گذار به دموکراسی و تحکیم دموکراسی، از دهه ۸۰ میلادی به بعد (شجاعی و پناهی، ۱۳۹۹)</p>
	ریشه‌های فرهنگی اجتماعی	<p>جنبش دانشجویی در روند توسعه سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران (دانشمند و سلیمی، ۱۳۹۵)</p> <p>شکاف بین سنت‌گرایی و تجددطلبی (محمدی مهر و همکاران، ۱۳۹۷)</p> <p>نگرش، احساسات و شناخت نخبگان (عابدی اردکانی، ۱۳۹۳)</p> <p>توطئه و زیاده‌خواهی بیگانگان (غفاری و همکاران، ۱۳۹۶)</p> <p>میزان رشد سواد (اخوان کاظمی و نیکونهاد، ۱۳۹۸)</p> <p>توسعه کمی و کیفی آموزش عالی (اخوان کاظمی و نیکونهاد، ۱۳۹۸)</p> <p>سهم مشارکت پائین زنان در امور جامعه (جلالی و بنی نجاریان، ۱۳۹۱)</p> <p>فرهنگ عمومی غیر عقلایی (شهرام نیا و مظفری، ۱۳۹۲)</p> <p>عدم پابندی به قانون (شهرام نیا و مظفری، ۱۳۹۲)</p> <p>شکاف‌های اجتماعی همچون شکاف نسلی، شکاف قومیتی، شکاف جنسیتی و... در توسعه سیاسی در ایران (حقیقی، ۱۳۹۴)</p> <p>تک‌روی و فردگرایی منفی (شهرام نیا و مظفری، ۱۳۹۲)</p> <p>«تعریف و تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی»: «تبیین ابعاد کاربردی و نقش مؤثر سرمایه اجتماعی در چشم‌انداز آینده یک ایران مطلوب»: «شناخت ظرفیت‌ها و تأثیر این پتانسیل بر نحوه مدیریت کلان جامعه»: «تأکید بر این نکته که فقدان یک دغدغه مؤثر برای پرداخت علمی بر این مسئله، توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران را با رکود و چالش‌های زیادی روبرو ساخته است.» (قادری، ۱۳۹۱)</p> <p>جزم‌اندیشی و نقد ناپذیری (شهرام نیا و مظفری، ۱۳۹۲)</p> <p>نظم اجتماعی ایران بین دو انقلاب، نظم دسترسی محدود بوده و نهادها در این نوع نظم به گونه‌ای طراحی و ساماندهی شده‌اند که سطح دسترسی به سازمان‌های اقتصادی و سیاسی کنترل و محدود شود. (مؤمنی و زمانی، ۱۳۹۲)</p> <p>تأثیرگذاری عوامل رفتاری بر توسعه سیاسی (دلآوری، ۱۳۹۱)</p>

	<p>ریشه‌های فرهنگی اجتماعی</p>	<p>میان شرایط اجتماعی، نوع رویکرد دولت و سیاست‌های وضع شده از سوی آن و فرایند تحقق توسعه سیاسی رابطه برقرار است. البته این رابطه نه یک رابطه ساده که رابطه‌ای پیچیده است که در یک شبکه تعاملی چندوجهی معنا دار می‌شود. این شبکه تعاملی دربرگیرنده محیط درونی (بخش رسمی، بخش غیررسمی و جامعه مدنی) و محیط بیرونی (جهانی شدن و فرایندهای ناشی از آن) است که سازوکار روابط موجود در آن دو محیط، تعیین کننده چرایی تفاوت در میزان تحقق و یا عدم تحقق توسعه سیاسی است (عالی‌زاده، ۱۳۹۰).</p>
	<p>ریشه‌های گفتمانی</p>	<p>گفتمان اسلامی در ایران، شاخص ترین گفتمان بومی است که دال مرکزی آن خدامحوری و دال‌های شناور آن، مردم‌سالاری دینی و پیوند دین و سیاست است. گفتمان غربی توسعه سیاسی نیز اصلی ترین گفتمان غیربومی است که دال مرکزی آن، اومانیسیم و گام‌های شناور آن سکولاریسم و لیبرال مردم‌سالاری است. با این حال، به رغم اشتراک نسبی در دال‌های شناور آن‌ها وجود دارد، اما بین دال مرکزی دو گفتمان اسلامی و غربی افتراق بنیادین دیده می‌شود. (خرسند، ۱۳۹۹)</p> <p>احیا مجدد مکتب تاریخی، رشد سیاست تطبیقی و جامعه‌شناسی تطبیقی تاریخی به عنوان به یکی از مهم ترین چارچوب‌های منتقد پارادایم اثبات‌گرایی و مکتب نوسازی (شجاعی و پناهی، ۱۳۹۹)</p> <p>گفتمان توسعه در جریان توسعه‌گرایی نئولیبرال در ایران پسا انقلاب همواره می‌کوشد تا مفاهیم اصلی چون حکومت قانون، آزادی خواهی، اقتصاد بازار، جهانی شدن، دولت حداقلی و حقوق بشر را حول دال مرکزی «نوسازی لیبرالی» مفصل بندی نماید. (خرمشاد و نجات‌پور، ۱۳۹۴)</p> <p>مبانی فکری دولت اصلاحات، موجب اتخاذ رویکرد مثبت و مبانی فکری دولت عدالت محور، موجب اتخاذ رویکرد منفی نسبت به توسعه شده است (شورچی، ۱۳۹۵).</p> <p>جریان توسعه‌گرایان لیبرال پس از انقلاب و در پی تحول فضای گفتمانی از درون جدال‌های فکری و سیاسی دهه هفتاد سر برآورد و اندک‌اندک زمینه را برای طرح مسائل نوسازی و توسعه کشور بیش از پیش فراهم می‌دید. (خرمشاد و نجات‌پور، ۱۳۹۴)</p>
	<p>ریشه‌های فناوریانه</p>	<p>رشد رسانه‌های دیداری و شنیداری و فناوری‌های نوین (اخوان کاظمی و نیکونهاد، ۱۳۹۸)</p> <p>تأثیر پویای فضای مجازی در افزایش یا کاهش قدرت نخبگان دارای هژمون و نخبگان در حاشیه (رزمی، ۱۳۹۶)</p> <p>گفتمان‌های موجود در شبکه‌های اجتماعی موجب غیریت‌سازی و تخاصم در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی ایران است و خلق معانی، حقایق و تقابل‌های برآمده از دل این غیریت‌سازی‌های اجتماعی رابطه‌ای خاص با مسئله توسعه سیاسی در ایران دارد. (رزمی، ۱۳۹۶)</p>

	ریشه‌های فناورانه	با توجه به اینکه توزیع قدرت در ایران به‌عنوان یک نظام با دسترسی محدود شکل چترواری ندارد و همواره موجد فضای دوقطبی و خشونت‌آمیز بوده است، لذا بسط و شیوع شبکه‌های مجازی جدید قطعاً آثار و تبعات ویژه‌ای بر این توزیع قدرت و واکنش‌های احتمالی در برابر آن خواهد داشت. اگر یکی از لوازم مهم در توسعه سیاسی را موضوع خشونت‌زدایی از زندگی سیاسی و وجود مکانیسم‌های حل منازعه نهادمند در درون ساختار سیاسی بدانیم، می‌توان به نحوه و میزان تأثیرگذاری فضای سایبری بر حوزه توسعه سیاسی پی برد (رزمی، ۱۳۹۶)
آرمان‌ها	مطلوبیت‌های توسعه سیاسی در ایران	پیوند بین سیاست و اخلاق در بستر مردم‌سالاری دینی تحقق اسلام عقلانی و اجتهادی، ولایت‌فقیه، مصلحت‌اندیشی مشارکت دادن مردم در امور سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایجاد نظام عادلانه اسلامی کارآمد نمودن نظام اسلامی دفع استعمار دفع وابستگی را از مهم‌ترین اهداف و شاخص‌های توسعه سیاسی از دیدگاه امام خمینی است. (معینی‌پور، ۱۳۹۲)
راه‌حل نظری	پی‌ریزی الگوی بومی	بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت کنشگری جریان‌های فکری و سیاسی در راستای عملی نمودن نظریه‌های بومی (خرمشاد و نجات‌پور، ۱۳۹۴)
	گفتمان سازی	تقویت گفتمان اصیل انقلاب در برابر گفتمان‌های رقیب در عرصه ملی (خرمشاد و نجات‌پور، ۱۳۹۴)
		برجسته‌سازی تمایزات گفتمانی میان اسلام سیاسی عقل‌گرای اجتهادی با گفتمان‌های رقیب در عرصه بین‌المللی (خرسند، ۱۳۹۹)
	تغییر نگرش‌ها	اصلاح نگرش‌ها نسبت به فرایند جهانی شدن در امر توسعه سیاسی (شجاعی و پناهی، ۱۳۹۹)
		اصلاح نگرش نسبت به ظرفیت معناسازی شبکه‌های اجتماعی فعال بر بستر فناوری‌های نوین ارتباطی (رزمی، ۱۳۹۶)
راه‌حل سیاسی	اصلاح ماهیت فرهنگ سیاسی توده	توجه به ماهیت فرهنگ سیاسی توده مردم ایران (صادقی و قنبری، ۱۳۹۶) ضرورت تقویت پیشران‌هایی که فرایند توسعه را در جامعه ایرانی نهادینه می‌کنند (اخوان کاظمی و نیکونهاد، ۱۳۹۸) تأثیر بسیج و جلب مشارکت سیاسی حداکثری شهروندان بر تحکیم رابطه نظام سیاسی و تسهیل تداوم نظام سیاسی، موجد مشروعیت سیاسی حکومت شده و به توسعه سیاسی نهادینه منجر می‌شود. (خرمشاد و صیاد رودکار، ۱۳۹۶) تقویت همبستگی اجتماعی از طریق تقویت نهادهای مدنی (عزیزیان و جعفری، ۱۳۹۹) شوراها حلقه‌های واسط میان جامعه مدنی و دولت هستند و می‌توانند نقشی مؤثر در فرایند توسعه و مشارکت شهروندی داشته باشند. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸)

<p>تقویت پایه‌های دموکراسی</p>	<p>بسط و تقویت دموکراسی و آزادی‌های عمومی (موثقی و بیات، ۱۳۹۹) بهره‌گیری از ظرفیت مطبوعات به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار برای گشایش راه توسعه سیاسی (رهايي، ۱۳۹۶) ضرورت تقویت شهروندی فعال و نقد دولت بی‌طرف (همت‌خواه و همکاران، ۱۳۹۸)</p>
<p>تقویت مقوم‌های بین‌المللی امر توسعه</p>	<p>نقش تحولات بین‌المللی و تشدید روند جهانی شدن در توجه به مفهوم توسعه (خرمشاد و نجات‌پور، ۱۳۹۴)</p>
<p>اهتمام به ظرفیت‌های نهادهای قانونی در بسط توسعه سیاسی</p>	<p>لزوم توجه به ظرفیت‌ها و امکانات قانونی قانون اساسی ج.ا.ایران که به توسعه سیاسی منجر می‌شود (شاه‌علی و همکاران، ۱۳۹۹) ارتباط دوسویه مجلس شورای اسلامی و توسعه و مشارکت سیاسی (دست داده، ۱۳۹۰)</p>
<p>راه‌حل‌های اقتصادی</p>	<p>تعامل دوسویه توسعه اقتصادی و سیاسی وجود رابطه علی بین توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی در ایران (مهدی پور و فراهانی، ۱۳۹۸)</p>
<p>نقش نظام اداری در توسعه</p>	<p>افزایش کارایی و چابکی، نظام اداری در توسعه و پیشرفت کشور (عابدی اردکانی و سلطانی، ۱۳۹۹)</p>
<p>تأثیر ساخت دولت بر توسعه</p>	<p>ساخت دولت و چگونگی سیاست‌گذاری اقتصادی-اجتماعی دولتی (مصلی‌نژاد، ۱۴۰۰)</p>
<p>راه‌حل‌های فرهنگی اجتماعی</p>	<p>رشد شهر و شهرنشینی در توسعه فرهنگ سیاسی (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۳) اثرات تغییر اقلیم با توسعه پایدار (بصیری صدر و همکاران، ۱۳۹۹) توسعه سیاسی و مدیریت بهینه شهری (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸) تأثیر شوراهای اسلامی در فرآیند توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران (حیدری و همکاران، ۱۳۹۸)</p>
<p>نقش طبقه متوسط در توسعه سیاسی</p>	<p>نقش طبقه متوسط جدید به‌عنوان طبقه‌ای مترقی که در پی تلاش جهت حرکت به سوی توسعه‌یافتگی است (حسام قاضی، ۱۳۹۳) لزوم رشد طبقه متوسط به خودآگاهی و نیز پیگیری مطالبات خود در انجمن‌ها و گروه‌ها و احزاب (حسام قاضی، ۱۳۹۳) نقش عدم استقلال طبقه متوسط جدید از دولت - نبود مدرنیته، بر افزایش یا کاهش از خودبیگانگی طبقه متوسط جدید (حسام قاضی، ۱۳۹۳) نقش جدایی فرهنگی عینی و فرهنگ ذهنی بر افزایش یا کاهش از خودبیگانگی طبقه متوسط جدید (حسام قاضی، ۱۳۹۳)</p>

تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه سیاسی	لزوم تقویت سرمایه اجتماعی (مرادی و همکاران، ۱۴۰۰) نقش و تأثیر تأمین رضایت شهروندان و حمایت آن‌ها از نظام سیاسی (عابدی اردکانی و سلطانی، ۱۳۹۹)
معروف و منکر اجتماعی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی	نقش آموزه مهم اجتماعی، فرهنگی و سیاسی «امربه معروف و نهی از منکر» در توسعه سیاسی (خرمشاد و صیاد رودکار، ۱۳۹۶)
راه کارهای علمی تکنولوژیک	استفاده از ابزار فناوری در تحقق منویات توسعه سیاسی (رزمی، ۱۳۹۶) تحقق دولت الکترونیک تحقق شهروندی الکترونیک بهره‌گیری از ظرفیت‌های دموکراسی برخط
صیانت از اقلیم در برابر تهدیدات زیستی	صیانت از اقلیم در برابر تغییرات زیست‌محیطی (بصیری صدر و همکاران، ۱۳۹۹)

(منبع: یافته‌های تحقیق حاضر)

۵. تجزیه و تحلیل

در این پژوهش با ترکیب داده‌ها به نظریه‌ای برای توصیف و تبیین موانع تحقق توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران رسیده‌ایم؛ اصولاً نظریه‌ها دانش علمی در توصیف و تبیین واقعیت‌ها در جهان می‌باشند. مقصود اصلی یک نظریه فهم یک پدیده یا رویداد و همچنین تبیین علل آن و نوع ارتباط آن با پدیده‌های دیگر است. (حسینی، ۱۳۸۷: ۴) در این راستا و با استفاده از ظرفیت روش فراترکیب، و پایه مفهوم‌سازی و مقوله‌ای کردن و به‌ویژه با تشکیل خوشه‌های مقوله‌ای و بالاختص با کشف پدیده، به تدریج متوجه مفصل‌های یک نظریه هویدا شده است و به بیان گلیسر شاهد ظهور یک نظریه از دل داده‌ها و معانی انتزاع شده یک موقعیت انسانی و اجتماعی خواهیم بود (فراستخواه، ۱۳۹۵، ۱۸۶) و این اتفاق در زمانی است که کار هم خانواده‌سازی معانی و مفاهیم را به کمال رسانیده است و و پدیده هسته‌ای و مرکز قضایا آشکار شده است و پیکره مفهومی یا سامانه معنایی منظمی فراهم شده که می‌تواند موجودیت‌ها فرایندها، ربط علی و پدیده موضوع تحقیق در یک موقعیت خاص را به نحو افق‌گشایی توضیح بدهیم که این نظریه توضیح‌دهنده ابعاد ذیل از پدیده است:

۵-۱- شکل محوری اندیشه توسعه سیاسی در ایران

اندیشه توسعه در ایران همواره بر مدار آشتی میان سنت و مدرنیته و الزامات این دو گفتمان رقیب در طول تاریخ معاصر بوده است و اندیشمندان توسعه از دوره قاجار تاکنون همواره درصدد طرح‌ریزی نوعی نظام تاسیسی نسبت به توسعه در کشور بوده‌اند. این روند در سال‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶ بروز و ظهور بیشتری در عرصه عمومی و نیز نخبگانی یافت و افتتاح در عرصه سیاسی پس از گذار از مقطع سازندگی پسا جنگ، بار دیگر منویات توسعه سیاسی را در کانون توجهات قرار داد. لذا، اندیشه توسعه سیاسی در میان طیفی از طرفداران توسعه غربی و طرفداران توسعه دین بنیاد وارد چالشی تفکری - انتقادی شد. این روند در مجموع با تفوق جریان حامی الگوی توسعه دین بنیاد، منجر به شکل‌گیری ادبیات نظری بومی همچون تلاش برای دستیابی به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و یا مردم‌سالاری دینی شد. لذا، هسته مرکزی اندیشه توسعه‌خواهی سیاسی در ایران را می‌توان متأثر از قرائت فقیهانه از مبانی اندیشه سیاسی در اسلام دانست که سعی می‌کند با باور به تلازم عقل و نقل و یا علم و وحی، نوعی خوانش عقل‌گرا از مبانی دین ارائه دهد.

۵-۲- مفهوم محوری تبیین‌کننده ریشه توسعه‌نیافتگی در ایران

در باب ریشه‌یابی علل توسعه‌نیافتگی ایران می‌توان به علل مختلفی اشاره‌ای کرد. از این منظر، می‌توان به طیف متنوعی از دلایل سیاسی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، فناوریانه و نیز گفتمانی اشاره کرد. لذا، از آنجاکه اندیشه توسعه سیاسی نسبت به ادبیات سیاسی داخلی، به نوعی وارداتی محسوب می‌شود و اساساً بیان‌کننده و منعکس‌کننده ارزش‌ها و مؤلفه‌های اندیشه‌ورزی سیاسی تفکر لیبرال دموکراسی کشورهای توسعه‌یافته غربی است، لذا، یکی از دلایلی که به‌عنوان مانع توسعه‌یافتگی سیاسی ایران مورد اشاره قرار گرفته است، عدم سازگاری مبانی حوزه اندیشگی اسلام و غرب است.

ارتباط دوسویه میان توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی را از دیگر موانع این امر می‌توان دانست. اساساً توسعه اقتصادی را می‌توان پیشران توسعه سیاسی در هر جامعه‌ای دانست که برنامه‌های توسعه اقتصادی، میزان قدرت اقتصاد ملی و ... نقش قابل توجهی در امر توسعه سیاسی دارند. مسئله گفتمانی و تعارضات ناشی از ایستارها و نظام ارزشی متفاوت اسلام و

غرب نیز از دیگر دلایل عدم تحقق الگوی توسعه‌یافتگی مبتنی بر مدل غربی است. همچنین می‌توان به تأثیر ابزارهای فناورانه و نقش آن‌ها در برسازی توقعات و تصویرسازی‌های آن در افزایش و یا کاهش قدرت تأثیرگذاری نخبگان سیاسی اشاره کرد.

لذا، مفهوم محوری در علل توسعه‌نیافتگی ایران را می‌توان در عدم الگویی جامع از توسعه در گستره ملی دانست به‌نحوی که دربردارنده تمامی مؤلفه‌ها و عناصر تأثیرگذار بر ساخت فرهنگ سیاسی یک جامعه باشد.

۵-۳- مقوله محوری تبیین‌کننده غایت الگو و آرمان‌شهر در اندیشه توسعه سیاسی ایران

یکی از مسائل مورد اختلاف در بین طرفداران الگوی بومی از توسعه سیاسی و طرفداران الگوی رایج در نظام‌های دموکراسی غربی وجود دارد، غایت و آرمان‌شهری است که هر یک از آن‌ها برای نظام سیاسی مطلوب خویش ترسیم می‌کنند. طبعاً آرمان‌شهر این دو مشی تفکری منطبق بر هم نیست؛ چنانچه الگوی اسلام‌خواهانه با تمرکز بر نوعی قرائت فقیهانه از سیاست، توسعه سیاسی را نیز بر همین قرائت متأثر از خود می‌گرداند. این در حالی است که اساساً آرمان‌شهر الگوی لیبرالی، نوعی انسان‌محوری و تأکید بر عقل خود بنیاد و مستقل از وحی است که صادرکننده و منشأ برآورنده نیازهای زیست انسانی است. لذا، مقوله محوری آرمان‌شهر غایی و مطلوب در پس اندیشه توسعه سیاسی، تلاش برای استقرار جامعه‌ای مهدوی، اخلاق‌مدار و معنویت‌گراست.

۵-۴- مقوله محوری تبیین‌کننده راه‌حل‌های تحقق توسعه سیاسی در ایران

در باب راه‌حل‌های قابل طرح در زمینه توسعه سیاسی با توجه به شناسایی عوامل امتناع دهنده در ساحت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، گفتمانی و فناورانه، می‌توان طیف متنوعی از موضوعات را برای این منظور مورد اشاره قرار داد. از همین روی می‌توان به موضوعاتی چون نقش مدیریت شهری بر توسعه سیاسی، نقش طبقه متوسط در توسعه سیاسی، تأثیر سرمایه اجتماعی بر توسعه سیاسی، معروف و منکر اجتماعی و تأثیر آن بر توسعه سیاسی، بهره‌گیری از ظرفیت فناوری‌های نوین ارتباطی و نیز صیانت از اقلیم در برابر تهدیدات زیستی اشاره کرد. بر این اساس، مقوله محوری تبیین‌کننده راه‌حل‌های تحقق توسعه

سیاسی در جامعه ایرانی را می‌توان متناسب با هر یک از دسته‌بندی‌های کلان مورد اشاره در جدول، افزایش سرمایه اجتماعی، ارتقای سطح مدیریت شهری، تقویت پایه‌های معروف‌های اجتماعی و امتناع از گسترش منکرات اجتماعی، صیانت از ماهیت اسلامی جامعه ایرانی، صیانت از فرهنگ ملی ایرانی، و نیز نوعی گفتمان محیط زیست‌گرای مورد اشاره قرار داد.

نتیجه‌گیری

با عنایت به آنچه اشاره شد، هرچند روند نیل به توسعه سیاسی در ایران از قدمتی طولانی برخوردار است و اندیشمندان توسعه در هر یک از مقاطع تاریخی تلاش برای تقارب هر چه بیشتر مؤلفه‌های حکمرانی با اندیشه توسعه سیاسی بودند، این روند در دوره معاصر با رخداد انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی، شدت بیشتری پیدا کرد. هم‌زمان وقوع امواج دموکراسی‌خواهی در جهان پسا جنگ سرد و وقوع انقلاب در عرصه فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و نیز تشدید روند دموکراتیزاسیون فناوری در پهنه جهانی موجب سرعت یافتن هر چه بیشتر روند توسعه در جهان معاصر شد. در این بین، جمهوری اسلامی ایران نیز با تأکید بر نوعی خوانش فقیهانه از اسلام که در نوعی رابطه تلازمی با عقل و وحی استوار است، تلاش دارد تا نوعی الگوی بومی از توسعه در ساحت‌های مختلف و به‌طور خاص در عرصه سیاسی ارائه دهد.

پی‌نوشت

1. Meta-Synthesis
2. Open Coding (OC)

کتاب‌نامه

۱. احمدی، یعقوب (۱۳۹۹). بنیان‌های فرهنگی سیاست. تهران: کویبر.
۲. اخوان کاظمی، مسعود؛ صادقی، شمس‌الدین؛ نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۷). «روندپژوهی فرایند توسعه سیاسی در ایران معاصر». *مجلس و راهبرد*، سال بیست و پنجم، شماره ۹۵: ۲۰۹ - ۲۴۶.
۳. اخوان کاظمی، مسعود؛ نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۷). «شناسایی و تحلیل پیشران‌های توسعه سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی؛ سناریویی مطلوب برای آینده». *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، سال ششم، شماره ۱۴: ۱۱ - ۴۰.
۴. اخوان کاظمی، مسعود؛ نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۸). «آینده‌پژوهی توسعه سیاسی در ایران بر مبنای تحلیل بازدارنده‌ها». *سیاست*، دوره ۴۹، شماره ۳: ۵۸۷ - ۶۰۶.
۵. اسپریگنز، توماس (۱۳۸۲). *فهم نظریه‌های سیاسی*. ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: نشر آگه.
۶. اندیشه نوین اسلامی، (۱۳۵۹). *گفتارهای در تبیین رویکردی فکری سید منیرالدین حسینی‌الهاشمی*. به کوشش سید محمد میرباقری، قم: نشر تمدن نوین.
۷. بشیریه، حسین (۱۳۹۵). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: گام نو.
۸. بصیری صدر، محمد؛ اخباری، محمد؛ فرجی‌راد، عبدالرضا؛ برنا، رضا (۱۳۹۹). «تحلیل ژئوپلیتیکی اثرات تغییر اقلیم بر توسعه پایدار کشور ایران (متغیر تعدیل‌گر تصمیمات سیاسی)». *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال دوازدهم، شماره ۲ (پیاپی ۴۶): ۱۳۳ - ۱۵۲.
۹. بیدار، عارف؛ اسماعیل‌نژاد، علیرضا؛ نواختی مقدم، امین (۱۳۹۹). «تحلیل گفتمان منطقه‌ای-جغرافیایی توسعه سیاسی در دولت اصلاحات». *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال دوازدهم، شماره ۳ (پیاپی ۴۷): ۴۲۱ - ۴۴۱.
۱۰. پوراحمد، احمد؛ حاتمی‌نژاد، حسین؛ رهنمایی، محمدتقی؛ قالیباف، محمدباقر؛ حسینی، سید علی (۱۳۹۳). «تبیین نقش شهرنشینی بر توسعه فرهنگ سیاسی در ایران». *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، دوره ۲، شماره ۲.
۱۱. جلالی، محمود؛ بنی‌نجاریان، صفورا (۱۳۹۱). «روند تدریجی توسعه حقوق مدنی - سیاسی زنان در ایران از آغاز تاکنون»، *سیاست*، دوره ۴۲، شماره ۱: ۱۱۷ - ۱۳۲.
۱۲. حسام قاضی، روزان (۱۳۹۳). «مدرنیسم توسعه‌نیافتگی و ازخودبیگانگی طبقه متوسط جدید در ایران بعد از انقلاب». *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، سال پنجم، شماره ۴ (پیاپی ۱۴).
۱۳. حسینی، سیدرضا (۱۳۸۷). *نظریه‌پردازی: مفاهیم و استلزامات*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
۱۴. حقیقی، محمدعلی (۱۳۹۴). *شکاف‌های اجتماعی و توسعه سیاسی در ایران معاصر*. قم: بین‌الحرمین.

۱۵. حیدری، علی؛ رضایی، علیرضا؛ صالحی نجف‌آبادی، عباس (۱۳۹۸). «توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با محوریت نقش شوراهای اسلامی و مشارکت شهروندی». *جستارهای سیاسی معاصر*، سال دهم، شماره ۱ (پیاپی ۳۱): ۲۷-۵۰.
۱۶. خالدی‌پور، یزدان (۱۳۹۹). «نخبگان مصالحه‌جو و معضله توسعه سیاسی در ایران». *رساله دکتری تخصصی*، دانشگاه رازی، دانشکده علوم اجتماعی و تربیتی.
۱۷. خرسند، محمدصادق (۱۳۹۹). *گفتمان‌های اسلامی و غربی توسعه سیاسی در ایران معاصر*. کرمان: زمزم سحر.
۱۸. خرمشاد، محمدباقر؛ صیاد رودکار، اسحق (۱۳۹۶). «امریه‌معروف و نهی از منکر و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران». *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال ششم، شماره ۲۳ (پیاپی ۵۳): ۳۱-۵۸.
۱۹. خرمشاد، محمدباقر؛ نجات‌پور، مجید (۱۳۹۴). «جریان توسعه‌گرایان لیبرال و توسعه پس از انقلاب اسلامی (با تأکید بر دولت)». *دولت پژوهی*، سال اول، شماره ۴.
۲۰. دست‌داده، زین‌العابدین (۱۳۹۰). *نقش متقابل توسعه و مشارکت سیاسی با مجلس شورای اسلامی*. تهران: امید.
۲۱. دلاوری، رضا (۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی نقش و جایگاه بوروکراسی در فرایند توسعه سیاسی ایران». *رساله دکتری تخصصی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۲۲. رزمی، سروش (۱۳۹۶). «گفتمان‌های سیاسی - اجتماعی در فضای سایبری و توسعه سیاسی در ایران». *رساله دکتری تخصصی علوم سیاسی*، دانشگاه مازندران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۲۳. رضایی، علی (۱۳۹۷). «قومیت‌کرد و توسعه سیاسی در ایران». *رساله دکتری تخصصی علوم سیاسی*، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۲۴. رضایی، ایمان (۱۳۹۹). *توسعه سیاسی و تأثیر آن بر امنیت ملی*. تهران: زرنوشت.
۲۵. رهایی، علی (۱۳۹۶). *نقش مطبوعات در توسعه سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی*. شیراز: گنج علم.
۲۶. سلیمی، فرزین (۱۳۹۵). *جنبش دانشجویی و توسعه سیاسی در ایران*. بافت: عصر مدرن.
۲۷. شاه‌علی، احمدرضا؛ اسدی، مهدی؛ سلیم‌بیگی، حمزه (۱۳۹۹). «تحلیل مضمونی توسعه سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، سال سوم، شماره ۳ (پیاپی ۱۱): ۶۱-۸۵.
۲۸. شجاعی، نیما؛ پناهی، محمدحسین (۱۳۹۹). «نقدی پسااثبات‌گرا به نظریات توسعه سیاسی و کاربرد آن در مورد ایران: اتخاذ یک رویکرد پیکربندی‌شده». *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، سال شانزدهم، شماره ۶۰: ۱۱-۵۰.

۲۹. شوریجی، حافظ (۱۳۹۵). «مقایسه رویکرد توسعه‌ای دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۷۶)». رساله دکتری تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۳۰. شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ مظفری، فرحناز (۱۳۹۲). «صورت‌بندی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران». دانش سیاسی و بین‌المللی، سال دوم، شماره ۱.
۳۱. صادقی، سید شمس‌الدین؛ قنبری، لقمان (۱۳۹۶). «فرهنگ سیاسی توده، دولت‌های وامانده و مسئله توسعه سیاسی ایران». دولت‌پژوهی، سال سوم، شماره ۱۱: ۱۲۳ - ۱۵۹.
۳۲. عابدی اردکانی، محمد (۱۳۹۳). «توسعه‌نیافتگی سیاسی از منظر فرهنگ سیاسی نخبگان در ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)». پژوهشنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۶).
۳۳. عابدی اردکانی، محمد؛ سلطانی، لقمان (۱۳۹۹). «رابطه نظام اداری و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (با بهره‌گیری از الگوی نظری جاگورایب)». سیاست، دوره ۵۰، شماره ۲: ۶۲۹ - ۶۴۹.
۳۴. عالی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۹۰). «نقش سیاست‌های دولت در فرایند توسعه سیاسی (۱۳۸۴-۱۳۶۸)». رساله دکتری تخصصی جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
۳۵. عزیزیان، امید؛ جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۹). «تأثیر سرمایه اجتماعی بر روند توسعه سیاسی (مطالعه موردی: استان کردستان پس از انقلاب اسلامی ایران)». جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره هفتم، شماره ۱۶: ۶۱ - ۸۵.
۳۶. غفاری، امید؛ کتابی، محمود؛ واعظ، نفیسه (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی توسعه سیاسی در عصر مشروطیت و نخستین دهه انقلاب اسلامی (۶۷-۵۷) با تأکید بر توزیع قدرت». جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال هشتم، شماره ۱ (پیاپی ۲۳).
۳۷. فتاحی، سید مرتضی (۱۳۹۰). «بررسی تأثیر نقش جامعه‌شناسی تعامل‌گرایانه پیر بردیو در شکل‌گیری اندیشه توسعه سیاسی در ایران در دهه دوم بعد از انقلاب اسلامی ایران». رساله دکتری تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۳۸. فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه بر پایه. تهران: نشر آگاه.
۳۹. قادری، طاهره؛ میرزایی، ساناز (۱۳۹۲). «بررسی نقش نفت در توسعه سیاسی: مطالعه تطبیقی ایران، مالزی، ترکیه و عربستان». جامعه‌شناسی ایران، سال چهاردهم، شماره ۱.
۴۰. قادری، محمد (۱۳۹۱). سرمایه اجتماعی، حلقه مفقوده در توسعه سیاسی ایران. تهران: مهرآور عصر.
۴۱. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳). چالش‌های توسعه سیاسی، تهران: قومس.
۴۲. کاکوئی، عیسی (۱۴۰۰). نقش احزاب و گروه‌های سیاسی در توسعه. تهران: به اندیشه.

۴۳. کلیچ، علی اکبر؛ حقیقی، علی محمد (۱۳۹۸). «نقش فرهنگ سیاسی نخبگان اجرایی با رویکرد توسعه محوری در جمهوری اسلامی ایران». *نگرش های نو در جغرافیای انسانی*، سال دوازدهم، شماره ۱ (پیاپی ۴۵): ۳۶۳ - ۳۸۴.
۴۴. محمدی مهر، غلامرضا؛ توسلی رکن آبادی، مجید؛ طاهری، ابوالقاسم؛ ادیسی، افسانه (۱۳۹۷). «گونه شناسی مطالعات توسعه سیاسی ایران». *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال سیزدهم، شماره ۳ (پیاپی ۵۱): ۱۰۳ - ۱۳۴.
۴۵. مرادی، مهدی؛ جعفری نژاد، مسعود؛ آذین، احمد؛ گلشنی، علیرضا؛ بقایی سرایی، علی (۱۴۰۰). «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه سیاسی و اجتماعی جامعه ایران بعد از انقلاب اسلامی». *برنامه ریزی منطقه ای*، سال یازدهم، شماره ۴۱: ۱۹۶ - ۱۸۳.
۴۶. مصلی نژاد، عباس (۱۴۰۰). «دولت، توسعه و بحران های اجتماعی ایران، ۱۳۷۱-۱۳۹۸». *سیاست*، دوره ۵۱، شماره ۲: ۵۸۷ - ۵۶۵.
۴۷. معینی پور، مسعود (۱۳۹۲). *الگوی توسعه سیاسی در اندیشه امام خمینی*، قم: دفتر نشر معارف.
۴۸. موثقی، سید احمد؛ بیات، داوود (۱۳۹۹). «علل و عوامل عقب ماندگی و توسعه ملی در ایران از نگاه عزت الله سبحانی». *سیاست*، دوره ۵۰، شماره ۳: ۹۹۱ - ۱۰۱۴.
۴۹. مهدی پور، آسیه؛ فراهانی، مریم (۱۳۹۸). «بررسی رابطه علی توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: دولت های سازندگی و اصلاحات)». *مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل*، دوره دوم، پاییز و زمستان، شماره ۲: ۶۵۷-۶۸۵.
۵۰. مؤمنی، فرشاد؛ زمانی، رضا (۱۳۹۲). «تحلیل الگوی توسعه ایران بین دو انقلاب مبتنی بر اقتصاد سیاسی و نظم اجتماعی». *راهبرد*، سال بیست و دوم، شماره ۶۹.
۵۱. میرزایی، ساناز (۱۳۹۷). *نفت و توسعه سیاسی*. تهران: پارسا.
۵۲. می سایی، قاسم؛ دین پرست، فائز؛ تقی پور، عباس (۱۳۹۸). «بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه های توسعه جمهوری اسلامی ایران». *پژوهش های راهبردی سیاست*، سال هفتم، شماره ۲۸ (پیاپی ۵۸): ۱۵۵ - ۱۸۴.
۵۳. واعظی، حسن (۱۳۹۳). *کامیابی ها و ناکامی های توسعه در ایران*. تهران: هرمس.
۵۴. همت خواه، مریم؛ ازغندی، علیرضا؛ ابطحی، مصطفی؛ مجاهدی، محمد مهدی (۱۳۹۸). «روند توسعه سیاسی در ایران از سال ۱۳۶۸ تاکنون بر اساس رویکرد آمارتیا کومار سن». *جامعه شناسی سیاسی ایران*، سال دوم، شماره ۱ (پیاپی ۵): ۴۹ - ۷۴.

ب: لاتین

55. Aguirre, R. T. & Bolton, K. W., (2014) Qualitative Interpretive Meta-Synthesis in Social Work Research: Uncharted Territory. **Journal of Social Work**. 14(3), pp. 279–294.
56. Britten, N. & et al., (2002). “Using Meta Ethnography to Synthesise Qualitative Research: a Worked Example”. **Journal of Health Services Research & Policy**. 7(4), pp. 209–15.
57. Edward, Shils. (1965). **Political Development in the New States**. The Hague: Mouton.
58. George Thomas (2011) “What Is Political Development? A Constitutional Perspective”. **The Review of Politics**, Volume 73, Issue 2, Spring 2011, pp. 275 – 294. DOI: <https://doi.org/10.1017/S0034670511000076>
59. Harvey, D. 1989, **The Condition of Post Modernity**. Oxford, Blackwell
60. Hegel. Georj. w., (1977). **Lectures on The Philosophy of World History**. by H.B. Nibest, Combridge University Press.
61. LaMond Tullis, F. (1973). **Politics and Social Change in Third World Countries**. Wiley.
62. Mills, C. W., (1970). **The Sociological Imagination**. Harmondsowrt: Penguon.
63. Paterson, B. L., & et. Al., (2001). **Meta-synthesis of Qualitative Health Research: A Practical Guide to Meta-Analysis and Meta-Synthesis**. London: Sage
64. Randall Viky and Robin Theobald, (1991) **Political Change and Underdevelopment**. London: Macmilan Publication,
65. Sandelowski, M. & Barroso, J., (2007) **Handbook for synthesizing qualitative research**. New York: Springer.
66. Sherwood, G. D., (1997) Meta-Study of analyses of caring: defining a therapeutic model of nursing. **Advansse Practis Nursing Qualitative**.3(1), pp. 32-42.
67. So, Alvin, Y. (1990). **Social Change and Development**. U.S: Sage Publication Ltd.
68. Webster, A., (1990). **Introduction to the Sociology of Development**. London: Macmillan Publication, 1990
69. Zimmer, L., (2006). “Qualitative Meta-Synthesis: A Question of Dialoguing with Texts”. **Journal of Advanced Nursing**. 53(3), pp. 311-318.